

اقتصاد کلان و اهداف آن

البرت لیتلن اقتصاد دارد که تمام علوم چیزی پیش از بالایش تفکر روزمره نیست، البته اهلان خوابه نظریات در ارتباط با علوم ملته فزاینکه و ضعیف و... بوده است، اما می توان گفت تمام علوم و از آن جمله اقتصاد نیز بالایش تفکر روزمره است، حتماً در ذهن این مهم نقش می باشد که به عنوان فردی که زندگی اجتماعی در کنار تمام اصول آن ما را احاطه کرده است، قطع به یقین و این طور است در جامعه زندگی کنیم و منابع انتخاب و رای ما در دولت ها فعالیت کند. نمی توانیم نسبت به موضوعات اقتصادی بی تفاوت باشیم، می دانیم که نیروها و عوامل زیادی وجود دارند که بر اقتصاد اثر می گذارند. چه به عنوان یک فرد از جامعه باشیم و چه به عنوان فردی که در یک کسب و کار به عنوان مدیرعامل یا یک کارمند فعالیت کنیم. باید حتماً این نیروها و عوامل را بدانیم.

اهداف از مطالعه اقتصاد کلان

چرا بعضی از کشورها رشد سریعی را در طول قرن گذشته تجربه کردند در حالی که بقیه در فقر فرو رفته اند؟ چرا بعضی کشورها نرخ تورم بالایی دارند در حالی که برخی دیگر نیستند؟ اینها را حفظ می کنند؟ چرا همه کشورها با تورم اقتصادی و رکود در حال کاهش و تجربه می کنند؟ کاهش در آمد ها و افزایش بیکاری و بهنگونه می توانا نکیه بر سیاست های دولت نسبت این نسبت را کاهش داد؟ اقتصاد کلان برای پاسخ به این سوالات و بسیاری از سوالات مرتبط تلاش می کند.

اهداف اقتصاد کلان

وجود بحران های اقتصادی بین داخلی و عواقب فلاکت در جنگ های اول و دوم جهانی باعث شد نظریه عدم فعالیت دولت در امور اقتصادی گردید. نظریه اقتصاد کلان بعد از کلاسیک ها اتفاق افتاد. دولت باید از طریق اقدامات خود بر فعالیت های اقتصادی تأثیر گذاشته و این فعالیت ها را در جهتی صحیح و سزنده هدایت کند. از جمله اهداف اقتصادی که دولت ها در حال حاضر در جهت افزایش سطح زندگی و رفاه شهروندان خود دنبال می کنند عبارتند از اشتغال کامل و جلوگیری از بیکاری، ثبات قیمت ها و جلوگیری از تورم و همچنین تحقق رشد متوازن اقتصادی.

یک تقسیم بندی عمومی برای اقتصاد در نظر گرفته شده است، که تعابیری به عنوان اقتصاد خرد و اقتصاد کلان از آن ها صورت می گیرد. اقتصاد خرد به تجزیه و تحلیل رفتار های فردی مصرف کنندگان و تولید یک کالا یا خدمات می پردازد و حال آنکه اقتصاد کلان تمرکزی جامع تر نسبت به اقتصاد خرد داشته و تجزیه و تحلیل سطح تولید برای کل اقتصاد یا سطح متوسط دستمزد کارگران شاغل در کل اقتصاد و یا مطالعه سطح قیمت ها در کل اقتصاد را مورد مطالعه قرار می دهد.

به طور کلی اقتصاد کلان به بررسی و تجزیه و تحلیل پدیده های کلان اقتصادی و بررسی روابط این پدیده ها در سطح کلان اقتصادی می پردازد.

که ذیلاً به شرح مختصر هر کدام از آنها می پردازیم. بدیهی است که تعادل در تراز پرداخت های خارجی نیز یکی دیگر از اهداف مهم اقتصادی کشورها تلقی می شود که در اینجا از بحث در مورد آن خودداری می کنیم.

۱- اشتغال کامل و جلوگیری از بیکاری

اشتغال کامل به معنی استفاده مطلوب و کامل از عوامل تولید و از جمله نیروی کار در جامعه است. معمولاً جمعیت یک کشور را به دو گروه عمده یعنی جمعیت فعال و غیرفعال تقسیم می کنند. جمعیت فعال را می توان آن قسمت از جمعیت نامید که بین سنین ۱۸ تا ۶۵ بوده و آماده کار هستند. یکی از اهداف دولت ها در راستای تحقق اشتغال کامل، استفاده از درصد بالایی از نیروی کار فعال کشور است. جمعیت غیرفعال در برگیرنده افراد زیر ۱۸ سال، بازنشستگان، از کار افتادگان، زنان خانه دار و افراد کهنسال است. بیکاری نقطه مقابل اشتغال کامل است. معمولاً نرخ بیکاری به صورت ماهیانه و یا سالیانه توسط مراجع ذیصلاح کشورها اعلام می شود. برای تعیین نرخ بیکاری در هر کشور ابتدا باید آمار مربوط به نیروی انسانی کشور تهیه و تنظیم شود. با در دست داشتن تعداد نیروی کار فعال در هر کشور می توان نرخ بیکاری را نسبت به آن تعیین کرد. فرض کنیم نیروی فعال کار کشوری ۵۰۰ نفر است که ۴۵۰ نفر از آنها شاغل و ۵۰ نفر بیکار می باشد. نرخ بیکاری به صورت زیر در این کشور فرضی محاسبه می شد.

$$\text{نرخ بیکاری} = \frac{\text{تعداد بیکاران}}{\text{تعداد نیرو های فعال کار}} = \frac{۵۰}{۵۰۰} = ۱۰\% \text{ یا } ۱۰۰$$

در طرف مقابل «نرخ اشتغال» را نیز می توان به روش های زیر محاسبه کرد.

نقش سیاستگذاران کلان در تحقق اهداف

سیاست‌های اقتصاد کلان

سیاست‌های اقتصاد کلان معمولاً توسط دو ابزار اجرا می‌شوند: سیاست‌های مالی و سیاست‌های پولی. هر کدام از این دو سیاست برای ثبات بخشی به اقتصاد به کار می‌روند که این بدین معناست که اقتصاد به سطحی از GDP ارتقا پیدا کند که منجر به شکل‌گیری اشتغال کامل شود. [۲۱] سیاست‌های اقتصاد کلان بر محدود کردن اثرات چرخه‌های تجاری برای دستیابی به اهداف اقتصادی مثل ثبات قیمت، اشتغال کامل و رشد، تمرکز دارد [۲۲].

سیاست‌های پولی

بانک مرکزی سیاست‌های پولی را توسط عرضه پول و کمک گرفتن از چندین مکانیزم اجرا می‌کند. به عنوان نمونه، بانک مرکزی با انتشار پول برای خرید اوراق (یا دیگر دارایی‌ها)، که باعث افزایش عرضه پول و نرخ بهره پایین‌تر می‌شود عمل می‌کند یا در سیاست‌های پولی انقباضی، بانک‌ها اقدام به فروش اوراق کرده و پول را از چرخه خارج می‌کنند. معمولاً سیاست‌ها بطور مستقیم عرضه پول را هدف نمی‌گیرند.

بانک‌های مرکزی به منظور دستیابی به نرخ بهره ثابت بطور مداوم عرضه پول را جابجا می‌کنند. در مقابل برخی از بانک‌های مرکزی بر هدف قرار دادن نرخ تورم تمرکز می‌کنند و اجازه نوسان به نرخ بهره می‌دهند. بانک‌های مرکزی عموماً سعی بر دستیابی به تولید بیشتر دارند بدون اینکه با اجرای سیاست‌های انبساطی موجب مقدار زیادی تورم شوند.

سیاست پولی مرسوم در مواقعی مثل دام نقدینگی، بی‌اثر است. زمانیکه نرخ بهره و تورم نزدیک به صفر هستند، بانک‌های مرکزی با ابزارهای مرسوم نمی‌توانند سیاست‌های انبساطی اجرا کنند.

نمونه ماتریس راهبرد مداخله تحت شرایط مختلف

بانک‌های مرکزی می‌توانند از ابزارهای غیر مرسوم مانند تسهیل کمی برای رشد تولید استفاده کنند. بانک‌های مرکزی برای اجرای سیاست تسهیل کمی می‌توانند به جای خرید اوراق دولتی در کنار خرید اوراق دولتی، دیگر دارایی‌ها مثل اوراق شرکت‌های بزرگ، سهام، و دیگر ضمانت‌ها را خریداری کنند. این عمل باعث ایجاد نرخ بهره پایین‌تر برای دسته گسترده‌تری از دارایی‌ها و واری اوراق قرضه دولتی

مزایای بیکاری به صورت خودکار زمانی افزایش پیدا می‌کند که بیکاری افزایش پیدا کند و در یک نظام مالیات بر درآمد پیشرو، نرخ مؤثر مالیات زمانی به صورت خودکار پایین می‌آید که درآمدها کاهش یابند. اقتصاددانان اکثراً سیاست پولی را بر سیاست مالی ارجح می‌دانند زیرا ۲ مزیت اساسی دارد. اولاً، سیاست پولی عموماً توسط بانک‌های مرکزی که مستقلاً عمل می‌کنند اجرا می‌شود در مقابل سیاست‌های مالی که توسط نهادهای سیاسی کنترل می‌شود. بانک‌های مرکزی کمتر علاقه به تصمیم‌گیری بر اساس اهداف سیاسی دارند. ثانیاً، سیاست پولی دچار وقفه درونی و وقفه بیرونی کوتاه تری نسبت به سیاست‌های مالی می‌شوند. بانک‌های مرکزی به سرعت می‌توانند تصمیم‌گیری نمایند و تصمیمات خود را اجرا کنند. ت‌های مالی احتیاطی زمان می‌برند تا تصویب شده و به مرحله اجرا برسند.

۹۰ / ۱۷

د سیاست‌های کلان از دیدگاه اسلام

در کنار دیدگاه‌های مادی نگر، مکاتب الهی و آخرت نگر هستند که اقتصاد را نه با هدف زندگی بشر بلکه وسیله‌ای برای حیات بشر می‌دانند تا با آن به هدف متعالی دست یابند. مبانی این دو نگاه کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند و طرفداران هر یک از دیدگاه‌ها نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند، به خصوص زمانی که در هر یک از دیدگاه‌ها به حد افراطی به اقتصاد نگاه می‌کنند.

اما می‌توان با استفاده از وجه مشترک اقتصاد متعارف به مسئله اقتصاد در جامعه اسلامی پرداخت. و می‌توان به این موضوع اشاره کرد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و هر اقتصاد اسلامی ذاتاً مقاومتی است، بنابراین مناسب‌ترین راه برای تحقق اقتصادی پویا و مقاوم؛ پیگیری و اجرای اقتصاد اسلامی خواهد بود.

از آنجا که گفته شد اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصادی اسلامی باشد به طبع قابلیت‌ها و ویژگی‌های یک اقتصاد مقاومتی را در خود دارد. یک نظام اقتصاد اسلامی، نظامی علمی و مکتبی است که باید بر اساس این دو پایه نهادسازی شود. ویژگی‌های لازم برای تحقق اقتصاد اسلامی و مقاومتی در زیر اشاره می‌شود:

(الف) اقتصاد علم است و باید علمی اداره شود.

(ب) حوزه عمل اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی باید در جای خود مورد توجه قرار گیرد.

(ج) بحران‌ها به حداقل ممکن تقلیل داده شوند.

مزایای بیکاری به صورت خودکار زمانی افزایش پیدا می‌کند که بیکاری افزایش پیدا کند و در یک نظام مالیات بر درآمد پیشرو، نرخ مؤثر مالیات زمانی به صورت خودکار پایین می‌آید که درآمدها کاهش یابند. اقتصاددانان اکثراً سیاست پولی را بر سیاست مالی ارجح می‌دانند زیرا ۲ مزیت اساسی دارد. اولاً، سیاست پولی عموماً توسط بانک‌های مرکزی که مستقلاً عمل می‌کنند اجرا می‌شود در مقابل سیاست‌های مالی که توسط نهادهای سیاسی کنترل می‌شود. بانک‌های مرکزی کمتر علاقه به تصمیم‌گیری بر اساس اهداف سیاسی دارند. ثانیاً، سیاست پولی دچار وقفه درونی و وقفه بیرونی کوتاه تری نسبت به سیاست‌های مالی می‌شوند. بانک‌های مرکزی به سرعت می‌توانند تصمیم‌گیری نمایند و تصمیمات خود را اجرا کنند. ت‌های مالی احتیاطی زمان می‌برند تا تصویب شده و به مرحله اجرا برسند.

۹۰ / ۱۷

د سیاست‌های کلان از دیدگاه اسلام

در کنار دیدگاه‌های مادی نگر، مکاتب الهی و آخرت نگر هستند که اقتصاد را نه با هدف زندگی بشر بلکه وسیله‌ای برای حیات بشر می‌دانند تا با آن به هدف متعالی دست یابند. مبانی این دو نگاه کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند و طرفداران هر یک از دیدگاه‌ها نمی‌توانند یکدیگر را درک کنند، به خصوص زمانی که در هر یک از دیدگاه‌ها به حد افراطی به اقتصاد نگاه می‌کنند.

اما می‌توان با استفاده از وجه مشترک اقتصاد متعارف به مسئله اقتصاد در جامعه اسلامی پرداخت. و می‌توان به این موضوع اشاره کرد که اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است و هر اقتصاد اسلامی ذاتاً مقاومتی است، بنابراین مناسب‌ترین راه برای تحقق اقتصادی پویا و مقاوم؛ پیگیری و اجرای اقتصاد اسلامی خواهد بود.

از آنجا که گفته شد اقتصاد مقاومتی محصول اقتصاد اسلامی است. اگر اقتصادی اسلامی باشد به طبع قابلیت‌ها و ویژگی‌های یک اقتصاد مقاومتی را در خود دارد. یک نظام اقتصاد اسلامی، نظامی علمی و مکتبی است که باید بر اساس این دو پایه نهادسازی شود. ویژگی‌های لازم برای تحقق اقتصاد اسلامی و مقاومتی در زیر اشاره می‌شود:

(الف) اقتصاد علم است و باید علمی اداره شود.

(ب) حوزه عمل اقتصاد دستوری و اقتصاد اثباتی باید در جای خود مورد توجه قرار گیرد.

(ج) بحران‌ها به حداقل ممکن تقلیل داده شوند.